



علی پیام

بررسی تطبیقی ادبیات اداری و منشیانه دوره سلاطین غزنی و افغانستان کنونی

در این نوشته قرار است که بین ادبیات اداری و منشیه عصر غزنوی و دوره کنونی افغانستان مقایسه کنم تا در نتیجه یک مقیاس ارائه شود از میزان کیفیت کار ادبیات منشیه دوره کنونی افغانستان و موفقیتها و نارساییهای آن.

این مقاله در اثر این پرسش نوشته است: تمایز بین سیستم نامه نگاری اداری در عصر غزنویان و سیستم نامه نگاری در عصر کنونی افغانستان در کجاست؟ این مسئله وضعیت متون اداری زمان کنونی افغانستان نسبت به عصر غزنویان را بیان خواهد کرد.

نامه نگاری دارای انواع و اقسام مختلف است که از جمله می توان در یک دسته بندی کلان به نامه نگاری عادی و عرفی و نامه نگاری رسمی و اداری یا به بیان قدما ترسل اشاره کرد. پژوهشگران نامه نگاری را از مصادیق «فن» یا تکنیک به شمار آورده می گویند: «ترسل یا نامه نگاری از کهنترین فنون نگارش است که هم به نثر و هم به نظم و گاه در آمیخته ای از نظم و نثر در تاریخ زبان فارسی دیده می شود» (رمضان، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

متون اداری لزوماً هم از زیبایی فرم و هم از درستی محتوایی و ادبی باید برخوردار باشد که مسلماً در یک مقاله کوتاه نمی توان به تمام جنبه های زیباییهای صوری و درستیهای محتوایی اشاره کرد و به بحث گرفت که البته درستی و نادرستی، زیبایی و نازیبایی متون اداری به بررسی مفصلتر نیاز دارد و در این مقاله صرفاً به برخی از مشکلات محتوایی نامه های اداری افغانستان کنونی در مقام مقایسه با دوره سلاطین غزنه نگاه می اندازیم.

به باور پژوهشگران «نامه های اداری وظیفه ای دشوارتر از نوشتن سایر انواع نامه هاست. یک، نامه اداری باید از نظر سبک و ارائه به گونه ای باشد که در بین انبوهی از نامه های روی میز توجه خواننده را جلب کند در غیر این صورت جای آن در سطل زباله خواهد بود. نامه در حقیقت سفیر سازمان یا شرکت است و چنانچه بد نوشته شود نه فقط موجب بی اعتباری نویسنده آن است بلکه موجب بی اعتباری بی خواست سازمان یا شرکت نیز خواهد شد» (بی نا، ۱۳۶۶: ۴).

در عین حال نامه های اداری بخشی از تاریخ و فرهنگ و پیشینه فرهنگی یک کشور را نشان می دهد. الزاماً نامه های اداری برای همیشه تاریخ در آرشیفها نگهداری شوند و به عنوان اسناد ملی برای قضاوت و اهمیت برای آیندگان گذاشته شود؛ ولیکن تا جایی که اطلاع دارم ادارات افغانستان اولاً توجه عالمانه و مسئولانه در قبال حفظ و نگهداری نامه های اداری به عنوان اسناد ملی و تاریخی ندارند. دوم دولت افغانستان در اثر ناکامیهای کاری یک آرشیف ملی که بتوان تمامی اسناد را در آن نگهداری کرد درست نکرده است. آرشیف ملی موجود ظرفیت نگهداری تمامی آثار مکتوب و میراث فرهنگی کشور

به ویژه نامه های اداری را نداشته و ندارد. سوم تا جایی که اطلاع دارم اسناد دولتی به شمول نامه های اداری بعد از سپری شدن یک مدت زمان سوزانده یا حریق می گردد که البته حریق توسط یک هیئت صورت می گیرد که آشکارا این کار به معنی سوزاندن پیشینه تاریخی کشور است و آن دسته از کارگزاران نظام سیاسی افغانستان که بنیاد آتش سوزی اسناد اداری را طراحی و بنیادگذاری کرده است بایستی او را در پیشگاه تاریخ کشور محاکمه کرد.

درک این مطلب برای دولتمردان و کارگزاران کنونی نظام سیاسی افغانستان خیلی سخت است که «رسایل و مکاتیب باقیمانده از ادوار گوناگون از جهات مختلف حائز اهمیت و درخور مطالعه و تحقیق هستند و پرداختن بدانها در حیطه تحقیقات تاریخی و پژوهشهای ادبی و جز آن ضروری می نماید. با مطالعه و بررسی دقیق آنها می توان به نکات و دقایق دستوری، لغوی، چگونگی استعمال صنایع ادبی و سایر ویژگیهای سبک شناسی دست یافت و در بررسی سیر تطور و تحول نثر فارسی طی قرون و اعصار متمادی، اطلاعات ذی قیمتی از این متون کسب کرد» (رمضان، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

در یک مطالعه اندک به تمایز و افتراق عصر سلاطین غزنه و حکومتهای معاصر افغانستان پی می بریم؛ به طور مثال کارگزاران نظام سلطنتی غزنویان بهترین دانشمندان خود را منشی، کاتب و یا دبیر انتخاب می کرده اند که این امر ناشی از اهمیت متون و اسناد اداری به ویژه نامه نگاری اداری در عصر غزنویان بوده است. به گفته پژوهشگران درباره دبیران و منشیه دوره سلاطین غزنه: «دبیران کسانی بودند که استعداد بسیاری در انشای گزارشها، معاهدات سیاسی و مکاتبات رسمی داشتند. این گروه می توانستند مقامات اداری دیگر را اشغال کنند. آنان سیاستمداران حقیقی به شمار می رفتند و همه اسناد دولتی را آنها ترتیب می دادند و مکاتبات دولتی را ثبت و ضبط می کردند (مرتضی زاده، ۱۳۸۸: ۱۹)؛ بدین ترتیب حکومت غزنویان ادیبان زمان خود را منشی انتخاب می کرده اند، روی همین دلیل است که یکی از پربارترین دوره تاریخی فرهنگی این سرزمین عصر سلاطین غزنوی است که شکوه و جلال فرهنگی اش وزنه علمی و فرهنگی کشور را رقم زده است.

از نظر مقایسه دو نظام سلطنتی غزنویان و نظامهای معاصر افغانستان به خوبی می توان دریافت که سطح ارزش فرهنگی نظامهای معاصر افغانستان سبک و شک شده است به جای اینکه صعود کند و یا اینکه نظامهای سیاسی معاصر افغانستان به اهمیت بعد فرهنگی اداره توجه کند. در یک مقایسه می توان پی برد که «یکی از مشهورترین کسانی که در دوره غزنوی تصدی دیوان رسالت را بر عهده داشته ابونصر مشکان

نامه نگاری دارای انواع و اقسام مختلف است که از جمله می توان در یک دسته بندی کلان به نامه نگاری عادی و عرفی و نامه نگاری رسمی و اداری یا به بیان قدما ترسل اشاره کرد. پژوهشگران نامه نگاری را از مصادیق «فن» یا تکنیک به شمار آورده می گویند: «ترسل یا نامه نگاری از کهنترین فنون نگارش است که هم به نثر و هم به نظم و گاه در آمیخته ای از نظم و نثر در تاریخ زبان فارسی دیده می شود»



در یک مقایسه به خوبی در می‌یابیم که ترسل در دوره غزنویان نماینده سبکی از سبکهای زبان فارسی است و بخشی از دوره‌های درخشان نثر و ادبیات اداری که توسط نامه‌نگاران، دبیران، منشیان و مترسلان آفریده شده است. به بیان دیگر همانطوری که نامه‌نگاری و یا ترسل در عهد غزنویان بلوغ فرهنگی دربار بوده؛ اما نامه‌نگاری یا ترسل در زمان کنونی اداری در افغانستان نه تنها روایتگر صعود است بلکه تداعیگر سقوط فرهنگی دربار است. نا فرهیختگی نثر و ناشستگی زبان و ادبیات اداری کنونی افغانستان نه تنها شامل اداره‌ها، سازمانهای خصوصی و نهادهای مدنی می‌شود بلکه معارف و مراکز آموزش عالی و دانشگاهها فجعترین فریاد نادانی و سقوط فرهنگی را در این باب در این عصر و زمان جار می‌زنند.

است. وی در روزگار محمود به این شغل منصوب شد و تا زمان وفات وی (۴۳۱ق) در این شغل باقی بود. پس از مرگ بونصر، دیوان رسالت به بوسهل زوزنی داده شد و ابوالفضل بیهقی نایب و خلیفه وی بود» (صالحی، ۱۳۹۴: ۱۲)؛ اما در نظامهای سیاسی - اداری معاصر افغانستان بر اثر فساد اداری و جانبداریهای مفرط و ضعف سیستماتیک، ضعیفترین افراد در پستهای دولتی گمارده می‌شوند که شاهد مثال ما عصر فترت و انحطاط متون اداری و نامه‌های اداری زمان حال اداری افغانستان است.

متون اداری و نامه‌های اداری عصر کنونی افغانستان بخشی از وجه کره شکل اداره در افغانستان کنونی را به نمایش می‌گذارد؛ در صورتی که به گواهی تاریخ «در عصر غزنوی به کارگیری دبیران خردمند و دانشمند در دیوان رسالت، نشان دهنده اهمیت آن نزد پادشاهان و نقش آنان در پیشرفت سیاست و استحکام بنیان دولتها و رونق و توسعه علم و دانش است که البته مستلزم آموختن آداب و رسوم و فنون دبیری بوده است. مؤلف تاریخ بیهقی نیز دبیری فاضل است که در دربار سلاطین غزنوی به این امر خطیر پرداخته است» (صالحی، ۱۳۹۴: ۱۴).

همچنین در دوره سلاطین غزنوی «ادیبان منشی یا منشیان ادیب بر حس فرمان و گاه به سائقه معلومات و ذوق خویش بر محور گفتار و کردار فرمانروایان عصر خود کتابها و نامه‌ها پرداخته‌اند که به علت بستگی مطالب آن با دربار و دیوان می‌توان نام ادبیات دیوانی بر آنها نهاد» (صنعتی، ۱۳۹۱)؛ لیکن در دوره کنونی افغانستان منشیان بی سواد و کارگزاران بی سوادتر افغانستان را در سرایشی سقوط فرهنگی قرار داده است و خم به ابرو نمی‌آورند.

در یک مقایسه به خوبی در می‌یابیم که ترسل در دوره غزنویان نماینده سبکی از سبکهای زبان فارسی است و بخشی از دوره‌های درخشان نثر و ادبیات اداری که توسط نامه‌نگاران، دبیران، منشیان و مترسلان آفریده شده است. به بیان دیگر همانطوری که نامه‌نگاری و یا ترسل در عهد غزنویان بلوغ فرهنگی دربار بوده؛ اما نامه‌نگاری یا ترسل در زمان کنونی اداری در افغانستان نه تنها روایتگر صعود است بلکه تداعیگر سقوط فرهنگی دربار است. نا فرهیختگی نثر و ناشستگی زبان و ادبیات اداری کنونی افغانستان نه تنها شامل اداره‌ها، سازمانهای خصوصی و نهادهای مدنی می‌شود بلکه معارف و مراکز آموزش عالی و دانشگاهها فجعترین فریاد نادانی و سقوط فرهنگی را در این باب در این عصر و زمان جار می‌زنند. یکی از مراکزی که باید بهترین و درستترین شیوه‌های نامه‌نگاری و متون اداری را مدنظر داشته باشد وزارت معارف

و وزارت تحصیلات عالی است؛ ولی متأسفانه بدترین حالت ممکن نا درستیه‌های شکل و محتوا از سوی همین دو اداره ناشی می‌شود؛ مثلاً در یکی از نامه‌های وزارت تحصیلات آمده است: «... قرار داد... پنجد فاملی خیر خانه... باعث شکایت و جار و جنجال در بنیت محصلین... چندین مراتبه... نواقصات... شخص مسئول... تیلیفون های شان تماس گفته می‌شود فق به دریاست شان نمی‌شویم... مسولیت آن متواجه... مراتب تحریری فوق نقلا غرض...»^۱ در حالی که شکل درست متن اینطوری است: «قرارداد... پنجد فامیلی خیر خانه... باعث شکایت و منازعه در بین محصلین... چندین مرتبه... نواقص... شخص مسئول... تلفنهاشان... گفته می‌شود موفق به دریافتشان نمی‌شویم... مسولیت آن متوجه...».

وقتی که وزارت تحصیلات عالی به اهمیت زبان، نثر، متن و ادبیات اداری و منشیانه بی توجه باشد، خرننگ سیستم اداری زمان کنونی از پل گذر نخواهد توانست و وزارت تحصیلات عالی بدترین نمونه خامی، نا فرهیختگی و نا پختگی را برای زمین و زمان جار خواهد زد. اگر عناوین فیشنی و مطول رئیس اداره مربوط را ببینیم به جای او عرق شرم بر پیشانی ما جاری خواهد شد. کسی باور نمی‌تواند که رئیس یکی از ریاستهای وزارت تحصیلات عالی (وزارت تحصیلات خالی) که پوهنمل + دیپلم انجینیر است، متن رسمی را نا خوانده امضا کند. نگون بختی زمانی بیشتر خواهد بود که چنین متن اداری از مراجع رسمی به ویژه وزارت امور خارجه به نگارش بیاید و به یک مخاطب پخته کار بین المللی فرستاده شود! (عکس شماره ۱)

البته اگر سخن به درازا نمی‌کشید به نا درستیه‌های تایی، نا درستیه‌های فرم و ساختار نامه‌نگاری اداری نیز اشاره می‌کردم؛ مثلاً رعایت هریک از مواردی چون فاصله‌گذاریها و نیم فاصله، چینش واژگان، جمله‌بندی، رعایت اصول نگارشی، درست نویسی، استفاده درست و به جا از علائم سجاوندی، استفاده از قلم زیبای فارسی کامپیوتر و... نیازمند بررسی دقیق است. (عکس شماره ۲)

در اطلاعیه وزارت تحصیلات عالی که در بالا نگاه کنیم، مشکلات فنی از سر و صورت وزارت تحصیلات عالی می‌بارد: «... برای طبقه اناث پوهنتون آسایی... که از اعبار... در آن صرف طبقه اناث مصروف تحصیل میباشند... متقاضیاد... در سطح خواند، نوشتن و صحت کردن بلدیت داشته باشند... متقاضیات... مطابق ۳۰ جدی ۱۳۹۲ تعیین...» متن بالا

۱. نامه وزارت تحصیلات عالی افغانستان. ریاست مالی و اداری. آمریت لیلیه ها، مدیریت عمومی اجراییه. شماره ۴۸۰-۹۰ تاریخ نامه ۱۳۹۳/۳/۱۴.

چند مشکل فنی دارد: اولاً کاربرد طبقه برای طیفی از جامعه درست نیست. دوم واژه «تعین» به طور غلط در ادبیات اداری افغانستان به کار می‌رود در حالی منظور از تعین «تعیین» بر وزن تفعلیل است نه بر وزن تفعّل. در متن بالا واژه «بلد» یا آشنا را به شکل مصدر جعلی «بلدیت» به کار برده است که غلط است. سوم صورت نازیبا و نا برخورد از حُسن خط و فونت زیبا و صفحه‌آرایی قشنگ و...، چهره واقعی نا فرهنگی و استفاده نکردن از ظرفیتهای نیروی انسانی دانا و توانا، وزارت تحصیلات عالی را در امور ادبیات اداری آشکارا نشان می‌دهد.

مردم افغانستان زمانی به يك ملت تبديل مي شوند كه يك مرد باميانى بالاي يك زن بكتيابه غيوت نمايد و يك مرد قندهارى بالاي يك زن باميانى. اگر تيكه دار هاي قومي را بتوانيم كنار بزنيم بدون شك كه اين ظرفيت و نيت در بين اقوام باهم برادر افغانستان وجود دارد.

متنها/ نوشته‌های یکی از مقامات
عالی‌رتبه دولتی که در صفحه شخصی
شبکه اجتماعی خودش نوشته است
توجه کنید: (عکس شماره ۳)

[illegible]

ره بی تجربگی، از مسیر خامی نیروی انسانی بی سواد و غیر مسئول کارگزاران نظام سیاسی تهیه می شود و سپس نا خوانده توسط مقام مسئول امضا می گردد.

در مجموع متون اداری و نامه نگاری اداری افغانستان از دو مشکل مشخص و عمده رنج می برند که عبارتند از مشکلات فرم، صورت و ساختار و مشکلات سیرت و یا محتوا، مشکلاتی که در یک دسته بندی می توان چنین برشمرد:

نارساییهای املائی، ادبی و دستوری

نامه های اداری در ادارات افغانستان علاوه بر نارسایی صورت از نارساییهای سیرت و محتوا نیز رنج می برند؛ مثلاً به نارساییهای املائی، ادبی و دستوری نامه ای که تصویر آن در زیر آمده است توجه شود: «به اساس جلسه کمیته حالت اضطرار شماره ۱ مورخ... اداره ولسوالی... سرک های اصلی و فرعی مناطق ها نهایت توسط بارنده گی های اخیر تخریب و بعضی از جاه ها کامیلا قطع گردیده که نهایت...»^۱

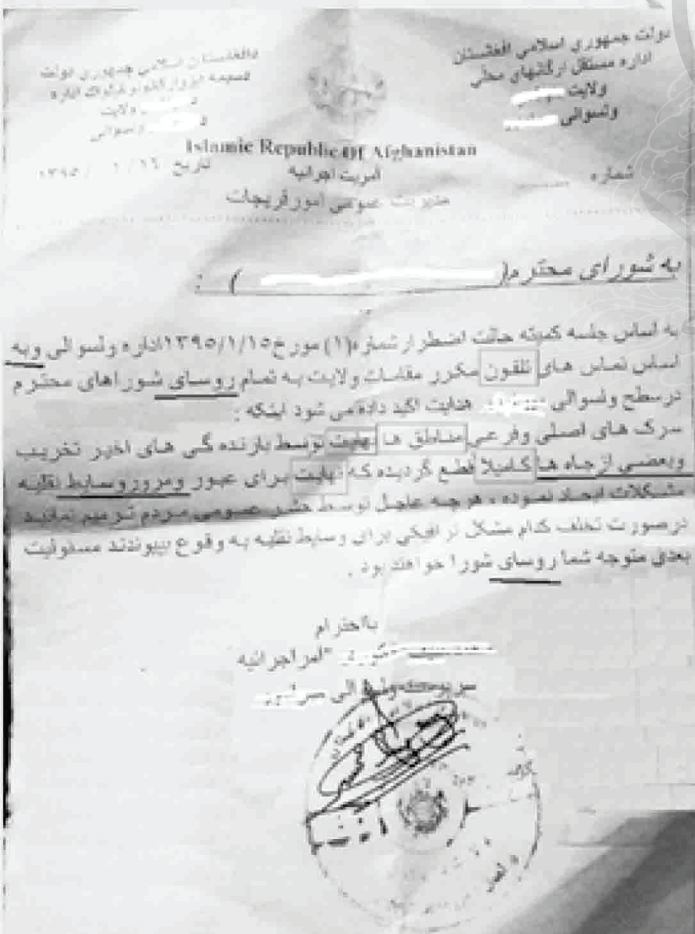
منشیان از بین افراد با تجربه و فرهیخته گزینش می شده است؛ آنطوری که پژوهشگران گفته اند: «پس از سالها عربی نویسی شروع به نگارش متون زبان فارسی نمودند و نهضت نگارش متون ادبی، علمی و فلسفی آغاز شد. دیوان رسالت، یکی از دیوانهای برجسته غزنوی بوده و دبیری در این دوره، ویژگیهای خاصی نسبت به قبل داشته است. ثر فارسی که از اوایل قرن پنجم به شیوه مرسل عالی شکل گرفته بود در متون این دوره به خصوص در تاریخ بیهقی به کمال رسیده است» (صالحی، ۱۳۹۴: ۵)؛ اما در زمانه ما افراد درس نخوانده با اسناد جعلی و تقلبی از راه بالای فساد اداری به چوکی می رسند.

متون اداری در دوره غزنویان با نگاه مسئولانه و از سر روحیه سازمانی و تشکیلاتی صورت می گرفته است؛ آنگونه که در تاریخ آمده است: «یکی از تشکیلات مهم کشوری در عصر غزنوی دیوان رسالت بود. دیوانی که مکاتبات دولتی در آنجا صورت می گرفت. دیوان رسالت در دوره های مختلف با نام دیوان رسائل و مکاتبات، دیوان انشاء، دیوان رسالت، دیوان طغرا، دیوان رسالت و انشا نامیده شده است» (مرتضی زاده، ۱۳۸۸: ۲۰)؛ ولیکن در نظام کنونی دقت مسئولانه، ظرافت متعهدانه و شرافت کار محققانه نیست تا متون اداری با بهترین وجهه ممکن به رشته تحریر بیایند و چون دانه های تسبیح در یک چیدمان درست شکل بگیرند.

نامه ها و متون اداری زمان کنونی در بدترین شکل خودش روحیه بی سروسامانی ساختار و بافتار اداری را به نمایش می گذارد و سیستم اداری کنونی در این نمایش، خود را مفلوکترین وجهه و نا کارترین صورت ممکن از نظر فرهنگی نشان می دهد.

متون اداری که نامه نگاری یکی از عناصر آن را تشکیل می دهد، اصولاً در دو بعد تبارز می یابد که آن دو بعد عبارتند از فرم و محتوا. عصر غزنوی علاوه بر عنصر محتوایی از نظر فرم و شکل نیز در بهترین وضعیت مطلوب قرار داشته است؛ زیرا که به روایت تاریخ، فرم نامه نگاری در عصر غزنویان دارای فرم و صورت تعریف شده، بوده است: «نامه های رسمی ابتدا از طرف صاحب دیوان رسالت به صورت سواد (پیش نویس) تهیه می شد و به دستبازی یکی از دبیران خوش خط، سواد به صورت بیاض در می آمد و سپس در حضور سلطان قرائت می شد و چون مورد پسند سلطان قرار می گرفت توقیع گشته رسمیت می یافت. دبیران با توجه به مهارتهای خاص خود در قسمتهای مختلف دیوان به کار گرفته می شدند» (رمضانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). در وضعیت مقایسه آن دوره و این دوره به خوبی مشخص می شود که نگاه فنی، حرفه ای و فرهیخته در دستور کار ادارات کنونی موجود نیست؛ بلکه متون اداری از سر بی حوصلگی، از

وزارت فرهنگ افغانستان که می بایست منبع واقعی فرهنگسازی باشد؛ اما از سرنگون بختی این اداره منبع اشتباهات فرهنگی است و در این هیچ شک و شبهه ای نیست؛ در عین حال نمونه بارز نا فرهنگی در کشور است. همانطوری که به زیبایی ساختار و استحکام و درستی محتوا و درونمایه ترسل و یا ادبیات منشیانه دوره غزنویان اشاره شد.



۱. نامه اداره ولسوالی میرامور، ولایت دایکندی، مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۶، گیرنده شورای مردمی.

۲. نامه وزارت معارف، معینیت تربیت معلم و انکشاف نصاب تعلیمی، مدیریت عمومی اداری، مدیریت روابط فرهنگی، شماره ۵۱۱، مورخه ۱۳۹۵/۳/۲، گیرنده ریاست معارف هلمند.



دولت انتقالی اسلامی افغانستان
Transitional Islamic State of Afghanistan

وزارت امور خارجه
Ministry of Foreign Affairs

مديریت عمومی محاسبه
Directorate of General Accounting

به سفارت محترم افغانستان مقیم پاریس

مکتوب نمبر ۵۱۰۳ مورخ ۹۲/۱۲/۸۱ در وقت طلبات وزارت محترم در پاریس
مکتوب نمبر ۵۱۰۳ مورخ ۹۲/۱۲/۸۱ در وقت طلبات وزارت محترم در پاریس
مکتوب نمبر ۵۱۰۳ مورخ ۹۲/۱۲/۸۱ در وقت طلبات وزارت محترم در پاریس

۷۴۱۰۰۰۰۹	۱۴۴۷۲۰۰
۷۱۰۹۰۰۰۰۲	۲۲۲۷۲۱,۵۵
۷۴۰۹۰۰۰۰۲	۹,۱۴۴۵۴
۷۴۰۹۰۰۰۰۲	۱۰۷۵,۴۵
۷۴۰۹۰۰۰۰۲	۱۹۰۰۰
۷۴۰۹۰۰۰۰۲	۱۴۴۸,۲۸
۷۴۰۹۰۰۰۰۲	۳۴۱۴۲,۴۰
۷۴۰۹۰۰۰۰۲	۲۴۲۳,۲۷

جمعا مبلغ (۳۹۸۴۴۱۰۰۰۰) در انگ و مبلغ (۱۰۷۵۴۵۴) در پاریس
جمعا مبلغ (۳۹۸۴۴۱۰۰۰۰) در انگ و مبلغ (۱۰۷۵۴۵۴) در پاریس
جمعا مبلغ (۳۹۸۴۴۱۰۰۰۰) در انگ و مبلغ (۱۰۷۵۴۵۴) در پاریس

با احترام

مديریت عمومی محاسبه
Directorate of General Accounting

اشتباه وجود دارد: اولاً «الف و ت» یکی از نشانه‌های جمع
عربی است و معیار جمع بستن به نشانه‌های جمع فارسی «ها»
است؛ مثلاً حسابها. دوم انشاء نامه به صورت «سفارت افغانی»

تاریخ نامه: ۱۳۸۵/۱۱/۱۴. گیرنده: سفارت افغانستانی مقیم پاریس

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Foreign Affairs



مديریت عمومی محاسبه
Accounting Department

دولت اسلامی افغانستان
وزارت امور خارجه

مديریت عمومی محاسبه
Directorate of General Accounting

به سفارت انتقالی مقیم فرانسه

شوریه که اطلاع دارند هیات بررسی مرکز وزارت امور خارجه امور مالی و حسابی
سفارت افغانی مقیم پاریس را مورد بررسی قرار داده که بر اساس گزارشات هیات
اسناد محاسبه مبلغ (۴۸۳۸۳۵) یورو که به امضاء آقای رئیس حاکمی سفیر سابق
افغانستان در پاریس ترتیب گرفته شده مورد اذیت مقامات ذمه‌دار قرار گرفته و به موجب
اسفارت محترم شود. ما هم اقامت افغانی حاکمی در دوره کار خویش مبلغ (۳۴۱۷۰۰) یورو به
میراثمان.

بنام موضوع و از طریق سفارت به اطلاع شان رسانیده تا در ظرف دو هفته به تسویه
حسابات این اقدام و مبلغ (۳۴۱۷۰۰) یورو را به همکاری سفارت تحویل حساب سفارت
معمول سازیم و بپردازیم.

با احترام

مديریت عمومی محاسبه
Directorate of General Accounting

وزیر امور خارجه

یکی از شاهد مثالها در زبان رشد نیافته و نو نشده زبان
اداری افغانستان، نامه بالاست: «... احتراماً به تعقیب مکتوب
نمبر ... خویش می نگاریم: قبلاً ذریعه مکتوب متذکره محترم
... اما قسمی که دیده می شود ... اسنادشان ضم هذا ارسال
می گردد...» اصرار کارگزاران نظام اداری و سیاسی بر کاربرد
واژه‌های چون «ترتیب»، «تحریر»، «موصوف»، «توصل» که
ساختار عربی دارد و همچنین یا فشاری روی استفاده واژه‌های
چون «نمبر» به جای واژه «شماره» و استعمال غلط واژه
«تقلاً» و همچنین فرم غیر فارسی و کلیشه کهنه «ضم هذا» به
جای پیوست و ... از مواردی هستند که به عنوان نمونه اشاره
شد.

یکی از دیگر نمونه‌های زبان و ثرنا شسته و نو نشده متون
اداری کنونی افغانستان بخشی از نامه زیر به این مضمون است:
«... احتراماً به تعقیب مکتوب نمبر ... قبلاً ذریعه مکتوب
متذکره ... اسنادشان ضم هذا ...»؛ یعنی در یک عبارت ۱۴
کلمه‌ای ده کلمه آن خارجی است و فقط ۴ کلمه آن فارسی -
دری. علاوه بر اینها نادرستی نگارش و استفاده نادرست
علائم سجاوندی یکی دیگر از مشکلات این نامه است. این
نشانگر چیست؟ مسلماً بیانگر کهنگی و رشد نیافتگی و یا
سیستم مرتجعانه نظام اداری کنونی افغانستان است. هر آینه
آب در یک جا راکت بماند بوی خواهد گرفت و مامن حیات
مطمئن نخواهد شد؛ اما هرگاه آب جریان داشته باشد و روان
باشد به آبیانوس گره خواهد خورد و دریا خواهد شد.

در نامه بالا که یکی از نامه‌های اداری مربوط به ریاست
اداری وزارت امور خارجه افغانستان است نگاه کنیم: «...
مکتوب نمبر ... مورخ ... تقلاً ... محترم ... سابق آمر
نماینده آریانا در پاریس...» در این نامه ساختار نا آشنای
زبان فارسی و تسلسل منطقی عبارت رعایت نشده است که
باید عبارت اینطور نوشته می شد: «... نامه شماره ... آمر سابق
نماینده آریانا در پاریس...»؛ زیرا ساختار فارسی مختصات
خودش را دارد.

یکی از مشکلات متون اداری اشتباهات و نارساییهای
ادبی و دستوری است. در نامه‌های اداری افغانستان نادرستی
ادبی، زبانی، نگارش و نارساییهای مفهومی به وفور دیده
می شود؛ مثلاً به یکی از نامه‌های وزارت امور خارجه در زیر
توجه کنیم: «به سفارت افغانی مقیم فرانسه ... در ظرف دو
هفته به تصفیه حسابات اش اقدام و ...» در این نامه چند

۱. نامه وزارت امور زنان، ریاست اسناد و ارتباط، مدیریت تحریرات، شماره ۱۸۸۹-۱۸۹۰ مورخه ۱۳۸۳/۶/۱۱.
۲. نامه ریاست اداری وزارت امور خارجه، مدیریت عمومی محاسبه مدیریت سفر خرجها، شماره نامه ۱۶۶۸ مورخه ۱۳۸۱/۴/۹، گیرنده سفارت افغانستان، پاریس.
۳. نامه وزارت امور خارجه افغانستان، مدیریت عمومی محاسبه، شماره نامه

مقایسه دو دوره زمانی
غزنیان و کنونی به خوبی
وضعیت فرهنگی را به
ما خاطر نشان می سازد.
در بالا نگاهی به نگارش
متون اداری افغانستان
کنونی انداختیم و دیدیم
که وضعیت فرهنگی در
بدترین حالت قرار دارد.
بهتر است تا نگاهی دوباره
به متون اداری عصر
غزنیان بیندازیم.

مقیم فرانسه» درست نیست؛ بلکه ساختار درست «سفارت افغانستان مقیم فرانسه است» نه سفارت افغانی.

وزارت فرهنگ افغانستان که می‌بایست منبع واقعی فرهنگسازی باشد؛ اما از سر نگون‌بختی این اداره منبع اشتباهات فرهنگی است و در این هیچ شک و شبهه‌ای نیست؛ در عین حال نمونه بارز نا فرهنگی در کشور است. همانطوری که به زیبایی ساختار و استحکام و درستی محتوا و درونمایه ترسل و یا ادبیات منشیانه دوره غزنویان اشاره شد؛ حال به سزاست که به نا درستیهای ساختاری، خامیهای محتوایی، نا

از دریچه فرهنگ، سیاست فرهنگی زمان را به نکوهش و در این راستا، فشار و خشونت از دست دادن مقام و رانده شدن از کار و وظائف رسمی را صمیمانه پذیرا گشت...»^۱ به درستی که ادات توصیف را به طور یکجا به طرز سخاوتمندانه نه بلکه به صورت غیر عقلایی به مصرف رسانده است یا اصراف در کاربرد اوصاف و القاب کرده است. این اصراف به حدی است که دانشمندان واقعی جهان عرق شرم بر جبینشان جاری شده است. اگر پختگی و سنجیدگی و اگر شعور در این سرزمین به قدر یک قطره باشد کاربرد «...فرزانه‌ای که همه

مدارج علم را پیمود...» خنده‌دارترین جوک تاریخ بنی‌بشر است. منظور من از این مسئله این است که در این بازار مکاره و اوصاف و القاب چرا وضعیت فرهنگی این قدر نا بسامان است؟ با این همه القاب و عناوین چرا ما در بی ریختترین وضعیت ممکن را از نظر فرهنگی تجربه می‌کنیم؟ درک این مسئله هم راحت است و هم راحت نیست، زیاد روی این قضیه نمی‌پیچیم و برای آن استاد وصف نا پذیر و شادروان آرزوی جاودانگی داریم.

نظام سیاسی و اداری کنونی افغانستان با توجه به اسناد و شواهد فقط برخوردار است از عناوین مفصل با طول و عرض جغرافیایی تا سرحد جنون و احمقانه؛ کجا می‌توان در این نظام کاهگلی ابوالفضل بیهقی را پیدا کرد؟ سیر قهقرای را ما تا سر حد بلاغت تجربه می‌کنیم. در اینجا چند نمونه از عناوین و القاب مطول و مفصل، شاهد مثال می‌آورم تا به ژرفای میان‌تهی برسیم؛ عناوین و القابی که شاید یک



درست نویسی‌ها و نازیبیهای متون اداری وزارت فرهنگ افغانستان می‌توان نگاه کرد:

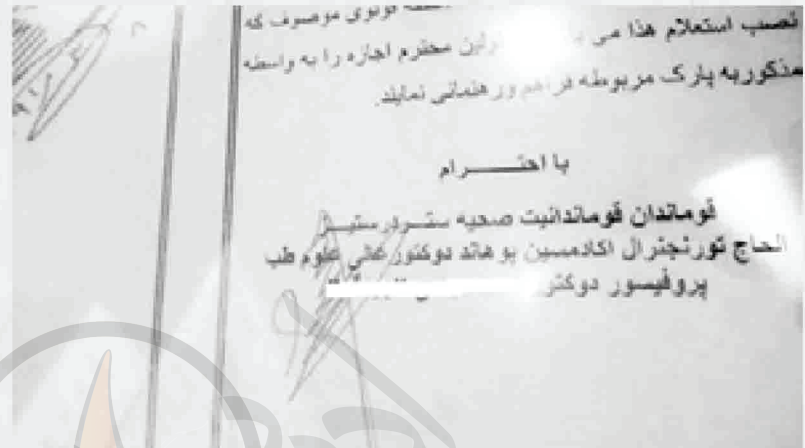
شکل مضحک کار در جایی است که نا درستیهای ادبیات اداری در حال حاضر در افغانستان طبل رسوایی و میان‌تهی سرزمین القاب و عناوین مختلف و قطور را به صدا درآورده است. فعلاً به توصیفات مفتضحانه یکی از نشریه‌های افغانستان، این سرزمین یاوه گوینها درباره یکی از استادان دانشگاه افغانستان نگاه کنیم: «پروفسور... دانشمند خودآگاه و پاسدار پیشتاز فرهنگ: سخن از... است. فرزانه‌ای که همه مدارج علم را پیمود و عناوین و القاب برین، آموزش آکادمیک را از آن خود کرد. آری، سخن از پروفسور، آکادمیسین، پوهاند، دکتر...، دانشمند آگاه و اندیشمند خودآگاه که پاسداری فرهنگ دیرین و شکوه عظمت پار و پیرارین را قامت افراشت. خردورزی که



۱. به خاطر حفظ احترام به آن استاد از نام بردن خودداری گردید و تصویر مجله در نزد صاحب این قلم موجود است.



نمونه دیگر از عناوین و القاب را به شکل فجیع و مفتضحانه در زیر با هم مرور کنیم:



نامه بالا یکی از نمونه نامه‌های اداری افغانستان نگاه کنیم که طول و تفصیل عنوان مسئول اداره را یک کشتی باربری برده نخواهد توانست؛ عناوینی که به طور مسخره آمیز و ابلهانه گویای وضعیت نا بخردی کنونی است: ستوردستیز + الحاج + تورجنرال + آکادمیسین + پوهاند + دکتور عالی علوم طب + پروفیسور + باز هم دکتور ...! مسئولینی که حجم بی نهایت القاب را از جمله «دکتور عالی»! روی یقه چرکین سیستم اداری کنونی نصب کرده است و مسئولینی که تمامی عناوین و القاب دنیا را روی یقه چرک زده خود قطار کرده است؛ اما متوجه نیست که در زیر ریش القاب مطول، مفصل و قیطنی، اشتباه فنی و ادبی موجود است که عبارت است از مصدر جعلی «قوماندانیت» و استفاده از واژه‌ها و ترکیبهای تاریخ گذشته و ... در متن زبان فارسی و همچنین نا رساییها در زیبایی و حسن خط.

مقایسه دو دوره زمانی غزنویان و کنونی به خوبی وضعیت فرهنگی را به ما خاطر نشان می‌سازد. در بالا نگاهی به نگارش متون اداری افغانستان کنونی انداختیم و دیدیم که وضعیت فرهنگی در بدترین حالت قرار دارد. بهتر است تا نگاهی دوباره به متون اداری عصر غزنویان بیندازیم.

البته اگر خیلی دور نرویم و نگاهی به متون اداری همین سده بیندازیم به خوبی می‌بینیم که هر روز که می‌گذرد متون اداری ما منحطتر می‌شود؛ مثلاً یک متن اداری مربوط به ۱۳۰۰ و اندی (تاریخ متن مخدوش است) نگاهی بیندازیم به خوبی فهمیده شود که وضع متون اداری سابق بهتر بوده است. البته به تحقیق شکل متون اداری و زیبایی و رسایی فرم و

محتوای دوره سلاطین غزنه نشان می‌دهد که افغانستان کنونی در وضعیت انحطاط فرهنگی قرار دارد. پژوهشگران درباره متون اداری و منشیهانه دوره سلاطین غزنه نوشته‌اند: «نثر منشیهانه چارچوب به خصوصی داشت که دبیر می‌بایست به آن چارچوب عمل کند. ملاک دبیر هم نامه‌هایی بود که دبیران برجسته نوشته بودند و به این روش دبیر می‌آموخت که لحن نامه‌هایش با در نظر گرفتن مخاطب باید چگونه باشد. لحن آمرانه باشد یا خاکسارانه. اگر برای شخص فرادست است باید بسامد واژه‌های خاکساری را برتابد و یا برعکس. این امر باعث شده است که بیهقی تمام سازوبرگ زبانی خود را از تفکر منشیهانه برگیرد و سبک نگارشش با بونصر یکی شود. در نامه مسعود به قلم بونصر به قدر خان از امیران سلسله خانیان ترکستان آمده: بر خان پوشیده نیست که حال پدر ما، امیر ماضی بر چه جمله بود... اما هنر بیهقی در آن است که نثر خویش را حتی در موسیقی بیانی و شنیداری مناسب احوال پرداخته است. تصویر بزم امیر مسعود بر روی جیخون، ضربی، کوتاه، سریع و نشاط انگیز است. در جنگ طلخاب سخن طنطنه‌ای دیگر دارد و رزمی است. آنجا که موضوع مستلزم تأمل و اندیشه است لحن بیهقی آرام و سنگین است. همه‌جا موسیقی کلام با اندیشه و معنی سازگاری درخشان دارد. وی کلمات و ترکیباتی سلیس و خوش‌آهنگ آفریده و در بیان معانی خود به کار برده است» (حارث‌آبادی، ۱۳۹۴).

در اینجا به عنوان نمونه یک متن منشآت عصر غزنوی را پایان بخش این نوشته قرار می‌دهم: «فوجی از مخالفان بر اطراف ریگهای بیابان پیدا آمدند و در پریدند و نیک شوخی کردند و خواستند که چیزی ربایند، حشم ایشان را نیک باز مالیدند تا به مرادری نرسیدند.» (بیهقی، ۱۳۸۸: ۶۶).

در خاتمه لازم است تا پرسشی را مبنی بر بدی اوضاع و احوال فرهنگی در ساختار نظام اداری و سیاسی افغانستان مطرح کنیم تا شاید برای موضوع سیاست و یا برای راهبرد اتخاذ شود؛ پرسش این است: دلیل اینکه زبان اداری و متون اداری در حال حاضر در افغانستان دچار افت، انحطاط، فقر، خبط و خطاست چیست؟ شاید پاسخهایی برای این پرسش موجود باشد که این نوشته بر نمی‌تابد.

نتیجه سخن اینکه در یک نگاه مقایسه‌ای و تطبیقی ادبیات اداری و منشیهانه دوره سلاطین غزنوی و دوره کنونی افغانستان به خوبی در می‌یابیم که از نظر فرهنگی، سیاست و اداره افغانستان در شرایط مضحک قرار دارد و قابل مقایسه با گذشته تاریخی این سرزمین به ویژه دوره‌های سلاطین ترک‌تبار نیست چه رسد به اینکه همپای، هم‌رزم و هم‌زمان با زمانه و تحولات فرهنگی به پیش رفته باشد.

فَرَمَانِ پُشَا

خارجی سے ان کی سہولت نہ ہوتی تھی !

چون خرم مع الخمر العاقبة یاری حضرت باری جل شانہ درین جنہ یوم عازم غریب داد کا افضل صلہ و عزم و جدت
 اعلیٰ خرم گردید و دستبرخ کردیم کہ جناب غم دادند کہ نیست ہندوستان و بادشاہان مملکت خود خرم
 اگر شریف نہا حقیقت شہید شدہ و جن جناب شہداء درین موقع مصطفیٰ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را در آنجا
 باعث برکت و افکار الٰہی بنما داشتہ لازم دیدہ می شود کہ درین وقت شہادت خود و طرف نظر فرمودہ و دعا
 شرعی دین مبین حضرت سید المرسلین صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم حفظ است و ان شاء اللہ تعالیٰ

- بی‌نا. اصول نامه‌نگاری اداری. (۱۳۶۶). تهران.
- حارث‌آبادی، رضا. (۱۳۹۴). «نثر بیهقی».
- رمضان، علی. (۱۳۹۲). «پیشینه ترسل و نامه‌نگاری در ایران از آغاز تا قرن ششم هجری».
- فصلنامه علمی- پژوهشی زبان و ادب فارسی- دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. سال پنجم. شماره ۱۴.
- صالحی، پیمان. (۱۳۹۴). «بررسی نگارش نامه‌های دیوان رسالت در عصر غزنوی با تکیه بر تاریخ بیهقی». فصلنامه گنجینه اسناد. سال ۲۵. دفتر دوم.
- صنعتی، محمدحسن. (۱۳۹۱). نثر بیهقی. ادب صنعتی. تاریخ اخذ: ۱۳۹۵/۳/۴.
- مرتضی‌زاده، کمال. (۱۳۸۸). «دیوان رسالت در عصر غزنوی با تکیه بر تاریخ بیهقی». رشد آموزش زبان و ادب فارسی. دوره ۲۳. ش ۲.

سوم افرادی در نظام سیاسی معاصر افغانستان در بدنه نظام قرار دارند که مکتب نرفته‌اند؛ اما اسناد تحصیلی دانشگاهی دارند. در یک کلام از نظام سیاسی که در زمان حاضر لقب یکی از فاسدترین نظام سیاسی جهان را از آن خود کرده است، انتظار شکل درست کار اداری بیهوده است. به هر حال نوشته حاضر که در واقع نقد سیاست و اداره افغانستان کنونی است یک نگاه خیلی مختصر و یک اشاره کوتاه بر ادبیات اداری است که البته جای نقد، فحص و بحث طولانیتر می‌طلبد.

بدبختانه وضعیت نظام‌های سیاسی معاصر افغانستان به ویژه نظام کنونی «نظام بند انگشتی» و یا «نظام کم‌عمق» است؛ یعنی مسئولین و کارگزاران این نظام افرادی هستند که اولاً عناوین و اوصافشان چند خط را تشکیل می‌دهند؛ ولیکن ژرفای دانش و یا سواد آنها بند انگشتی است. دوم افراد و اشخاصی در نظام مسئولیتهای بزرگ دارند که با تمام پر رویی و دروغ‌گویی عنوان داکتر را یدک می‌کشند؛ در حالی که تمام طول تحصیلشان یک دوره آموزش، کوتاه مدت چند ماهه است.